

در باره گویش مردم رشت

از: محمد بشر

از اینکه زبان گیلکی را محققان و مصنفان و زبان‌شناسان زبان پهلوی یا «پارتی» و «پهلویک» دانسته‌اند نظیر حمداله مستوفی و بلارامبرگ «در بازدید آماری» بدان جهت است که مصنفان عرب همه زبان‌های غیر دری را پهلوی میخواندند و آثار ادبی فراوانی بعد از اسلام بوجود آمده که آنرا «پهلوی - مهلویات» نامیده‌اند و کسانی را که این ترانه‌ها را میخواندند، پهلویخان می‌نامیدند در حالی که گیلکی جزو گروه زبان‌های شمال غربی «زبان‌های کرانه دریای کاسپی» است که «گردی و تاتو، طالش بلوچی» در این گروه هستند

ریشه‌اند بهمین جهت گرایش مردم رشت و اصولاً گیلک زبانان به فارسی زیاد است، بشر مردم این سامان در برابر یکدیگر کرد با آذربایجانی یا تهرانی سعی میکنند لهجه خود را در خلل لهجه فارسی غلیظ بهار کنند که شناخته نشوند در حالی که نباید بدین گونه باشد، اینکار نابدانجا رسیده که امروزه عده‌بی از مردم رشت واژه‌های اصیل زبان خود را بکمی فراموش کرده‌اند و ویژگیهای آنرا نادیده گرفته و به کودکان خود برای آنکه اصولاً لهجه‌شان گیلکی نباشد، فارسی نو می‌آموزند و همین امر باعث گردیده که نسل جوان امروز با زبان اصلی گیلکی بکلی بیگانه است و بارها اتفاق افتاده که باشندین شعر گیلکی نسبتاً خوبی که در

که از لهجه‌های باستانی غرب ایران سرزمین ماد و پارت ریشه گرفته‌اند و زبان گیلکی دارای ویژگیهایی است که آنرا با زبان‌های شرقی ایران چون زبان‌های خوارزمی و سغدی و سکایی شبیه میسازد که در فرصتی مناسب به تشریح آن خواهیم پرداخت

اما امروز گویش مردم رشت از لحاظ طرز بزبان آوردن کلمات و بعضی خصوصیات واژه‌ای و دستوری با گویش مردم املش و لاهیجان و لنگرود و رودسر و اصولاً گویش مردم آن طرف سپیدرود فرق میکند ولی ردپای گویش مردم فومن و کسما و ضیاب و این طرف سپیدرود هنوز در لهجه مردم رشت و حومه‌های نزدیک دیده میشود با همه این احوال امروز مردم رشت و با اکثریت قریب باتفاق، بزبان گیلکی تکلم نمیکنند و با اگر تکلمی به این نام دارند گویش مسخ شده‌ای است از گیلکی اصیل که در گذشته مردم این خطه بدان تکلم میکردند و هرچقدر از رشت بطرف دهات و حومه‌های آن پیش برویم زبان مردم آن بر حسب فاصله دوری و یا نزدیکی شکل عوض میکند و اصولاً در رشت زبان مردمش از دست رفته و شدیداً در اثر آمیختگی با فارسی نو آلیاژی نا آشنا شده است که باز شناختنش مشکل است و این علامت زوال گویش مردم یک سامان است و این بچند دلیل آشکار است اول خویشاوندی نزدیک گویش گیلکی از جهات واژه و دستور با فارسی که از یک

آن واژه‌هایی نه سیاه دور از محاورات روزانه بکار رفته دهانشان از تعجب باز میماند و اصولاً معنی شعر را در نمی‌یابند و احتیاج به تفسیر دارد.

عده‌بی از روستائیان نیز دچار شهرزدگی میشوند و زبان اصیل و بسیار خوبشان را با فارسی نو می‌آمیزند مراد از عنوان این مطلب نه ایست که فارسی نیاموزند یا اصولاً فارسی را بکار بگذارند بلکه مقصد آنست که زبان خود را از یاد نبرند و در حفظ و حراست آن بکوشند خوشبختانه امروز در بین بعضی جوانان این دیار و محققان و فضلاء جنبشی در این مورد به چشم میخورد و شعرا و گویندگانی هستند در سراسر استان گیلان که به زبان اصیل گیلکی شعر میگویند و موفق شده‌اند و از آن جمله انجمن پژوهشی گیل و دبلم را میتوان نام برد که شروع بکار نموده و انشاءالله در آینده‌ای نزدیک ثمره کارش به چشم خواهد آمد و سدی خواهد شد در برابر روبه زوال رفتن گویش گیلکی از راه جمع‌آوری فونکتر «دانش عامه» مردم این سامان زیرا بطور کلی در گویش مختلف مردم گیلان هنوز مطالعه علمی دقیق و ژرف صورت پذیرفته مگر در گویش مردم طالش که از طرف استاد «میلرب» تحقیقی شده و کتابی بنام زبان طالش منتشر گردیده و بنا به نوشته آقای کریم کشاورز صاحب کتاب گیلان گویا آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه مطالعاتی دارند